



علی محمدی / ایران

مصائب پیدا کردن یک خانه قابل سکونت خانه‌ای برای نماندن

۱۳

میلیون تومان

تقریباً دو ماه است دنبال خانه می‌گردیم و دریغ از یک خانه مناسب، یعنی قیمت‌ها یک جور است که اصلاً به خانه‌ای که می‌بینی نمی‌خورد. من و همسرم بودجه قابل قبولی داریم حاضریم ۳۰۰ میلیون و دویچه تومان اجاره بها بدهیم، اما با این بودجه هم یک خانه مناسب پیدا نمی‌کنیم

گزارش

ترانه بنی‌یعقوب

گزارش نویسنده

«یک اتاق ۶ متری، ۷۰ میلیون و دویچه با ماهی دو میلیون تومان اجاره بها، این آگهی بود که در فضای مجازی کلی سرو صدا کرد. دخمه‌ای باش منتری را در حالی صاحبخانه به این قیمت آگهی کرده بود که حمایش درست روی دستشویی قرار گرفته بود. حالا برایتان از وضعیت بد رنگ‌آمیزی همین شش متر جا و نامرتب بودنش بگویم. اگر در سایت‌های معروف دنبال خانه هستید، کلی از همین خانه‌ها

می‌بینید. خانه‌هایی که چندان هم نمی‌توان نام خانه بر آنها گذاشت. اینجا بحث ما افزایش اجاره بها منزل نیست، چرا که این داستان قصه طولانی خودش را دارد بلکه درباره مشکلات مستأجرانی حرف می‌زنیم که در آشفته بازار وضعیت اجاره مسکن با صاحبخانه‌هایی طرفند که هیچ شأن و حرمتی برای مستأجران‌شان قائل نیستند. به قول کسانی که دنبال خانه می‌گردند، هر دخمه‌ای را به عنوان خانه جا می‌زنند. وقتی هم اعتراض می‌کنی، دستت به جایی بند نیست. حتماً اگر مستأجر بوده‌اید، زمانی بوده که از این رفتارها کلافه شده‌اید از دست صاحبخانه‌هایی که هنوز سر سال نشده، به فکر افزایش اجاره

بهای خانه‌شان هستند. این جور وقت‌هاست که نمی‌دانید باید شکایت‌تان را به چه کسی بگویید. فریده و همسرش مدتی است دنبال اجاره یک خانه مناسب می‌گردند و دل‌شان از صاحبخانه‌هایی که هیچ حرمتی برای مستأجرشان قائل نیستند، حساسی پر است: «تقریباً دو ماه است دنبال خانه می‌گردیم و دریغ از یک خانه مناسب؛ یعنی قیمت‌ها یک جور است که اصلاً به خانه‌ای که می‌بینی، نمی‌خورد. من و همسرم بودجه قابل قبولی داریم. ۱۳ میلیون تومان اجاره بها بدهیم، اما با این بودجه هم یک خانه مناسب پیدا نمی‌کنیم.» فریده که انگار از این جست‌وجوهای بی‌نتیجه خسته

شده، اهی می‌کشد: «خانه را با رنگ کثیف، سرویس شکسته، درهای درب و داغان و کابینت‌های نامرتب نشانت می‌دهند و می‌گویند اگر دوست داری خودت باید تعمیرش کنی. آخر کجای دنیا، خانه‌ای به این گرانی را به آدم می‌دهند و بعد هم انتظار تعمیرات دارند؟ یا در آگهی خانه‌ها چیزهای عجیب و غریبی می‌بینی که با واقعیت همخوانی ندارد. مثلاً همین چند روز پیش آگهی یک خانه دوبلکس را دیدم که به بودجه مورد نظر ما می‌خورد. بعد که به محل مورد نظر مراجعه کردیم، دیدیم صاحبخانه یک پله را نشان می‌دهد و می‌گویند خانه دوبلکس است! باورت نمی‌شود من و همسرم بلند بلند خندیدیم. یک

پله آن هم به خاطر اینکه خانه روی پارکینگ قرار داشت، درست شده بود و به نظر صاحبخانه تبدیل به خانه دوبلکس شده بود. انگار که ما هیچ تصویری از خانه دوبلکس نداریم یا در عرصمان ندیده‌ایم. یا خانه دیگری دیدیم که در آگهی یک خانه لوکس معرفی شده بود اما در آشپزخانه‌اش حتی یخچال و فریزر جا نمی‌شد. بگذریم از ایرادات دیگری که داشت. در همین مدت فقط یک خانه مناسب پیدا کردیم که احساس کردیم صاحبخانه‌اش برای مستأجرش احترام قائل است و خانه‌اش را مناسب اجاره می‌دهد که آن هم آنقدر مشتری داشت که به ما نرسید. مشکل دیگری که برای اجاره خانه هست اینکه اغلب صاحبخانه‌ها همان اول کار می‌گویند که خانه را یک ساله اجاره می‌دهند. این واقعاً درخور هیچ آدمی نیست که یک سال در جایی زندگی کند. یعنی تا رسیدی و پهن کردی باید جمع کنی و بروی. بیشترش هم برای طمع صاحبخانه است چون می‌خواهد یک سال اجاره‌اش را چند برابر کند. این آدم‌ها فکر نمی‌کنند آدمی که یک سال در یک جا زندگی می‌کند، کلی هزینه جابه‌جایی و حمل‌ونقل پرداخت کرده و باید سر سال دوباره متحمل این هزینه‌ها شود. این رفتارها واقعاً به دور از انسانیت است و متأسفانه در ایران هم جایی وجود ندارد که از این افراد بتوان شکایت کرد یا پروتکلی موجود نیست که از حقوق مستأجران دفاع کند.»

شاید برای همین مشکلات است که در برخی کشورهای دنیا اتحادیه مستأجران شکل گرفته. برای مثال مستأجران در آلمان اتحادیه پر قدرتی دارند که از سال ۱۹۵۱ ایجاد شده. این اتحادیه نه تنها از منافع اعضای خود یعنی مستأجران دفاع می‌کند که خدماتی هم به آنها می‌دهد مثل مشاوره‌های حقوقی در دعوی حقوقی. یا مثلاً نرخ اجاره توسط این اتحادیه تعیین می‌شود تا بعداً مالک و بازار متغیر نتوانند این نرخ را افزایش دهند. همین‌طور در این اتحادیه تلاش می‌شود تا هیچ مستأجری به خاطر عدم پرداخت

اجاره مجبور به تخلیه ملکش نشود. در ایران هم برخی مستأجران دور هم جمع شده‌اند و در فضای مجازی گروه‌هایی را برای حقوق مستأجران شکل داده‌اند. آنها در این گروه‌ها گرد هم می‌آیند و با اشتراک گذاشتن تجربیات‌شان راهی برای این مشکلات پیدا می‌کنند. کسی چه می‌داند؛ شاید بیان این مشکلات و گفتن‌شان روزی به تشکیل اتحادیه یا صنفی برای ششیدن حرف مستأجران بینجامد. آرش مجرد است و مجبور است به خاطر کارش در تهران و تنها زندگی کند: «وقتی تنها زندگی می‌کنی دیگر برای پیدا کردن خانه مصیبت داری مخصوصاً اگر مرد تنهایی باشی. صاحبخانه‌ها فکر نمی‌کنند که تو به عنوان یک آدم تنها اجازه زندگی کردن داری. من آدم سنتی هستم و هنوز از بنگاه دنبال خانه می‌گردم و باورتان نمی‌شود که بنگاه‌دارها چه خانه‌هایی را به عنوان یک فرد مجرد نشان می‌دهند یعنی انگار در ذهن‌شان جا افتاده که آدم مجرد می‌تواند در خانه‌ای نامرتب و کثیف زندگی کند. تازه از این مرحله که می‌گذری و یک خانه مناسب پیدا می‌کنی، سؤال جواب‌های صاحبخانه و سؤالات عجیب‌ش شروع می‌شود چون هرگز نمی‌توانند تصور کنند یک آدم مجرد هم می‌تواند زندگی روی روالی داشته باشد. الزاماً تنها زندگی کردن به معنای زندگی بلبشویی نیست.» سارا، همسر و دو فرزندش بعد از یک سال اجاره‌نشینی به قول معروف صاحبخانه جواب‌شان کرده: «این جور صاحبخانه‌ها فقط به پول و نفع اقتصادی خودشان فکر می‌کنند. سال قبل برای اسباب‌کشی ۱۲ میلیون و برای پرده ۱۶ میلیون هزینه کردیم. چون خانه پر از پنجره بود، جدای از این هزینه‌ها، در درسر پیدا کردن خود برای بچه‌ها، خستگی، فشار پیدا کردن جای جدید... حتی موقع اجاره، صاحبخانه را قسم دادم

که اگر سر سال قرار است ما را بلند کند، از اول بگوید تا ما این خانه را اجاره نکنیم. اما سر سال پنهان آورد پسرش قصد ازدواج دارد و خانه را می‌خواهد؛ در حالی که فهمیدیم دروغ می‌گوید. حالا این پنهان و فروش خانه هم راهی برای بیرون کردن مستأجران شده. نمی‌دانم چرا همه صاحبخانه‌ها پسرشان سر سال قصد ازدواج پیدا می‌کند. جالب است که دست مستأجر به جایی بند نیست و همه می‌گویند خوب ملکشان است. مستأجر بیچاره چه گناهی کرده، آیا ضرر و زیان مادی او مهم نیست؟» حمید مرتضوی، چند سالی صاحب یک مغازه معاملات ملکی بوده و همه مسائل بین مستأجر و صاحبخانه را از نزدیک دیده است: «همیشه به صاحبخانه‌ها می‌گفتم شما باید حتماً حرمت و کرامت انسانی مستأجران را لحاظ کنید، اما کمتر چنین چیزی دیدم. مثلاً به صاحبخانه می‌گفتم شما موظفید خانه را رنگ شده و تمیز به مستأجر بسپارید و از آن سو هم خانه را تمیز از مستأجر تحویل بگیرید ولی معمولاً خانه را درب و داغان اجاره می‌دادند و بعد مستأجر بیچاره خودش تعمیرات انجام می‌داد و آخرش هم سر گرفتن هزینه‌ها ماجرا داشتیم. البته همیشه استثناهایی وجود داشت. مسکن حق انسانی هر فرد است و همه انسان‌ها حق دارند یک سرپناه مناسب داشته باشند. در حالی که این روزها مسکن نه به عنوان حق بلکه به عنوان یک کالای پولساز شناخته می‌شود. در این بازار هم صاحبخانه‌ها بدون نظارت به طور دائم بر قیمت‌ها می‌افزایند.»

خانۀ آرزوگانی، سرویس شکسته، درهای و داغان و کابینت‌های نامرتب نشانت می‌دهند و می‌گویند اگر دوست داری خودت باید تعمیرش کنی آخر کجای دنیا خانه‌ای به این گرانی را به آدم می‌دهند و بعد هم انتظار تعمیرات دارند. یاد آگهی‌ها چیزهای عجیب و غریبی می‌بینی که با واقعیت همخوانی ندارد



برش

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

Sudoku grid with numbers 1-9 in some cells.

Sudoku grid with numbers 1-9 in some cells.

جدول با دو شرح

Table with 4 columns and 10 rows containing numbers.

Table with 4 columns and 10 rows containing numbers.

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

- ۱- یکی از جاشنی‌های مهم و همیشگی سفره شمالی هاست - خسیسی
۲- قدرت - چند سفیر - ناشایست
۳- کلید راه‌اندازی - دستاویز قرار دادن - خلاف «مذکر»
۴- لکوموتیو-مایه حیات- کپوتر خانگی - بزنده‌ای خوش‌آواز
۵- ساز شکوه‌گر - صاحب اختیار - کافر
۶- سازی میزمانند - کلیه - رود شولوخف
۷- عاقبت - کردهایی - توبه گرگ... است!
۸- پول «چین» - نام دخترانه - سبز مایل به خاکستری
۹- مطیع - قطع کردن - نام مردانه
۱۰- اشاره بعید - کسی که برای انجام دادن کاری دوندگی کند - لانه پرندگان
۱۱- شکل هندسی - زمزمه کننده - مرطوب
۱۲- یار دربین گل و پروانه! - پارچا و پایدار - می‌برند تا خیردار شوند - امریبه رفتن
۱۳- فرستادن - گوش کن ادبی - نرم‌افزار نقشه‌کشی
۱۴- دارای رنگ سرخ درخشان - کساد - سخن زشت
۱۵- شهر بی قانون - بازیگر فیلم «بچه‌های طوفان» (روی پرده سینما)

Large grid with numbers 1-15 for a puzzle.

- ۱- مجموعه شعر «اسید سعید هاشمی» در حوزه نوجوان - پسوند تاختن
۲- برعکس - درد یافتن - سانسور نوشته
۳- شهری نزدیک کاشان - بخشی از استخرها - پیشخانه
۴- شهر استان فارس - بگزار - ناچار - خواب کوتاه
۵- چک - خوشه گندم - کمد قدیمی لباس
۶- نخ‌های سست پشمین یا پنبه - ماده مؤثر جاس - تصدیق ایتالیایی
۷- بسندگی - ویروس این روزها - یکی از زیباترین شهرهای استان کردستان
۸- انبار گندم - مورد استفاده در نقاشی ساختمان - چیزی که دیده بشود